

زبانهای ایرانی در خارج از ایران

در تاریخ زبانهای ایرانی سه دوره میتوان تشخیص داد :

الف- دوره زبانهای باستانی ایرانی . یعنی از آغاز پیدایش زبانهای کهن ایرانی از زبان مشترک هند و ایرانی که تقریباً از اوائل هزاره دوم پیش از میلاد شروع میشود و تا قرن چهارم و سوم پیش از میلاد امتداد می‌یابد .

ب- دوره زبانهای ایرانی میانه که از قرون چهارم و سوم پیش از میلاد آغاز میشود و تا قرون هشتم و نهم پس از میلاد ادامه می‌یابد .

ج- دوره زبانهای جدید ایرانی که از قرون هشت و نه بعد از میلاد شروع میشود و تا دوران حاضر ادامه دارد .

از زبانهای باستانی ایران تا کنون این زبانهای زیر شناخته شده است :

۱ - زبان پارسی باستان . این زبان زبان اقوام ایرانیست که در نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد در جنوب غربی فلات ایران ساکن شده بودند . مرکز این زبان در دورانهای تاریخی ایالت فارس است . مدارکی که از این زبان باقی مانده است کتیبه‌های شاهنشاهان هخامنشی است . بخت میخی که از قرن ششم تا چهارم قبل از میلاد است . این کتیبه‌ها بخت میخی ایرانی نوشته شده و ایرانیان نخستین قومی هستند که الفبای کامل سیلابی را اختراع کردند و بکار بردند . زبان پارسی باستان زبان مادری هخامنشیان و درباریان پارسی آنهاست . این زبان در قسمت مجموعه لغات مذهبی و سیاسی مقداری واژه از زبان مادری بعاریت گرفته است .

۲ - زبان اوستا . این زبان زبانی است که کتاب مقدس اوستا با آن نوشته شده است . زبان اوستا در بدو پیدایش مکتوب نبود ولی بعداً به خطی که از الفبای پهلوی مشتق میشود نوشته شد . زبان اوستا دارای دو لهجه است یکی لهجه گائانی که سرودهای گائانها که منسوب به خود زرتشت است با آن نوشته شده و از نظر قدمت مانند (ریگ ودا) است و قدمت آن لااقل به قرن هشتم پیش از میلاد میرسد . دیگر زبان بقیه اوستا است که نسبتاً نوتر است . زبان اوستائی از زبانهای شرقی ایران است .

۳ - زبان سکائی (به آسوری *išguza* و به یونانی *skuthai*) .

این زبان زبان اقوام سکائی و سرمت‌ها است که از قرون هفت و هشتم پیش از میلاد تا قرونهای چهارم و پنجم بعد از میلاد در کرانه‌های شمالی دریای سیاه ساکن بودند . اینان اقوامی بودند که در کتیبه‌های فارسی باستان نام آنها بصورت سکائیان «تیکر خود» *tigra xauda* نیز خود و سکائیان هئومورگا *hauma varga* هومساز و سکائیات تیه «پرسو گدام» *tya para sugdam* سکائیان آسوی سفد و سکائیان پردریا *para drayā* سکائیان کرانه شمالی دریای سیاه آمده است . اینان در زمان هخامنشیان در نواحی شمالی دریای خزر از سفد تا دریای سیاه پراکنده بودند . از این

زبان فقط برخی لغات و اسامی خاص و نامهای قبایل در کتب مورخان یونانی دیده میشود .
 زبان مادی . زبان اقوامی است که در نیمه اول هزاره اول پیش از میلاد در قسمت شمالی
 فلات ایران و جنوب دریای خزر ساکن بوده اند . از این زبان هم جز لغات معدودی که در کتابهای
 مورخان یونانی و در پارسی باستان آمده است چیزی در دست نیست .

بسیزبانهای ایرانی میانه . این زبانها مقارن میلاد مسیح بشکل تحویل یافته پدیدار میشوند
 ولی دیگر بیکدیگر آنقدرها شبیه نیستند و هر یک از آنها بنا بر قواعد داخلی خود تغییر پیدا
 کرده اند . این زبانها را میتوان بنا بر خط مرکزی فرضی یعنی شوره زارهای دشت کویر لوت بدو
 قسمت تقسیم کرد :

۱ - گروه شرقی زبانهای ایرانی در شرق و شمال کویر .

۲ - گروه غربی زبانهای ایرانی که ادامه زبانهای کهن پارسی باستان و مادی است .

معرف تمام این زبانهای میانه تصریف نشدن آنها و سایش آخر کلمات و اضافات پیشوندی
 و پسوندی است . زبانهای ایرانی میانه غربی را معمولاً پهلوی یا pahlavik میخوانند که صفتی است
 مشتق از پارتو پارثا parθava یا پارت که از نظر لغوی معادل است با کلمه پارس و هر دو بمعنی کنار و بر
 هستند یعنی کشورهای کناری نسبت به ماد . ایرانی میانه غربی شامل دو لهجه است یکی پارسیک
 یا پهلوی ساسانی و دیگری پهلوی اشکانی . لهجه پارسیک متعلق به جنوب غربی است و
 لهجه پهلویک متعلق به شمال غربی است . لهجه جنوب غربی یا پارسیک از نظر تاریخی ادامه فارسی
 باستان است و در جریان تحول خود پس از گرفتن واژه های نسبتاً زیادی از پهلوی اشکانی به فارسی
 جدید منتهی میشود . از این لهجه اسناد زیادی در دست است از قبیل کتیبه های شاهان مقدم ساسانی .
 یابیروس هائی که در مصریافت شده و متعلق به قرن هفتم میلادی است و ادبیات متنوع وسیع مذهبی
 و غیر مذهبی پارسیان و زرتشتیان و آثار مانوی . از این زبان زبانهای آرامی و عربی لغات بسیار
 عاریت گرفته اند .

لهجه شمال غربی یا پارتی یا پهلوی اشکانی . این زبان در آغاز هزاره اول میلادی در بخش
 جنوبی آسیای میانه و خراسان و قسمت شمالی فلات ایران متداول بوده است و زبانی است که اشکانیان
 بدان صحبت میکردند .

اسنادی که از این زبان بدست آمده عبارتند از اسناد اورامان متعلق به سال هشتاد و هشت بعد
 از میلاد و همچنین نوشته های روی سکه های متعلق به قرون اول میلادی و سنگ نگارهای پادشاهان
 مقدم ساسانی .

اما منبع اصلی این زبان ادبیات مانوی است بزبان پارتی که از ناحیه تورفان پیداشده است
 و تاریخ نگارش آنها قرون سوم تا هفتم میلادی است . این زبان کلمات بسیار به زبان ارمنی داده است
 و از نظر ساختمان و اجده خصوصیات زبان مادی کهن است و شامل تعداد کثیری از لهجه های ایرانی میانه
 میگردد که در خراسان زمین و جنوب غربی آسیای میانه و شمال و شمال غربی ایران متداول بوده است .
 این دو لهجه شمال غربی و جنوب غربی یا پارسیک همیشه در یکدیگر تأثیر متقابل داشته اند ولی
 پیروزی ساسانیان بر پارتیان موجب تقویت لهجه های پارسیک گشت و پارتی اندک اندک عقب نشست
 و چون شباهت این دو با یکدیگر بسیار بود زبان پارتی در دهکده ها مدتی مقاومت کرد و زبان پارسیک
 که ذخیره اصلی لغوی خود را حفظ کرده بود عده ای از لغات زبان پارتی را هم پذیرفت و بصورت
 زبانی غنی در قرون اولیه اسلامی زبان تمدن تمام آسیای میانه گشت .

۲- زبانهای شرقی ایرانی میانه. زبانهای شرقی ایرانی میانه در عرض همین چهل پنجاه ساله اخیر بامتونی که در درتر کستان شرقی خاصه در **Touen Houang** در تورفان و در **Khodjo** یافت شده اند کشف گردیده است این زبانها عبارتند از:

الف - سغدی: که زبان سغد قدیم است (ناحیه بخارا و سمرقند کنونی در دره زرافشان) این زبان روزگاری زبان بین المللی تمام آسیای مرکزی بوده است و استعمال آن در ناحیه بسیار وسیعی شبوت رسیده است و آثار مکشوفه آن عبارتند از. اسناد **Touen Houang** در مغولستان و کتیبه سوزبانی کر بالقاسون **Karabalgasoun** متعلق به قرن نهم به زبانهای اویغوری و چینی و سغدی در سین کینفو **Singinfou** در سرحد تبت. مهمترین من آثار مربوط به ربع اول قرن هشتم میلادی است و دیگر اسناد مهم کوه منغ است که در ویرانه های کاخی بر فراز کوه منغ در تر کستان روس در ساحل چب زرافشان یافت شده و نیز سفال پارها و مسکوکات متعدد که یافت شده اند. محتوی این متون را میتوان به سه قسمت کرد:

- ۱ - متون بودائی که از چینی ترجمه شده است.
- ۲ - متون مسیحی که ترجمه و یا بزبان اصلی تحریر شده است.
- ۳ - متون مانوی.

قدیمترین اسناد سغدی نامه هائی است که در برجی دباروی **Touen Houang** یافت شده و مربوط به قرن چهارم میلادی می باشد.

ب - زبان خوارزمی: این زبان در ناحیه خوارزم قدیم و واحه های مسیر سفلی رود آمو (جیحون) متداول بوده از این زبان مدارکی مربوط به نخستین قرون قبل از میلاد در خوارزم پیدا شده و نیز کلماتی که در متون فقهی عربی نوشته شده است جمع آوری شده.

۴ - زبان ختنی: زبان ختنی یاسکائی و لهجه های تخاری. زبان مردم ختن است که متون متعددی از آن در تر کستان کشف شده است. این متون شامل آثار بودائی و مدارک مختلف هستند و در آنها دولهجه میتوان تشخیص داد یکی مربوط به ختن در جنوب تر کستان شرقی و دیگری مربوط به مارالهاباشی در شرق کاشغر.

۵ - زبان دیگری که هنوز نامی بر آن نهاده نشده است از روی سکه های شاهان هفتالی هندو سیتی کوشان بدست آمده، این اسناد متعلق به قرون دوم و سوم میلادی است و نیز چند نسخه پیدا شده که هنوز خوانده نشده. خط این زبان از یونانی اقتباس شده است. پادشاهان کوشان از مردم قبایل تخار و سکائی بودند که تحت فشار هونها بسوی جنوب غربی به حرکت درآمدند و در اواسط قرن دوم پیش از میلاد در سر آمو دریا (جیحون) سکونت گزیدند و در برانداختن پادشاهی یونان و با کنریایی شرکت کردند و سرزمین تخارستان در با کنریان باستانی بنام ایشان نامیده شد. برخی از این سکائیان بنقاط جنوبی تر رفتند و به منطقه مسیر هیرمند و دریاچه هامون کوچیدند و این ناحیه که در عهد باستان درنگیانسا خوانده میشد بنام ایشان سکستان سحیستان و بالاخره سیستان خوانده شد. این مختصری بود از سابقه زبانهای کهن و میانه ایرانی.

اما زبانهای کنونی ایرانی باز شامل زبانهای ایرانی غربی و ایرانی شرقی است و وجه تمایز این دو گروه بزرگ وجود مصمت های سایشی **TS** و **dz** در گروه شرقی است بجای **چ** و **ح** در زبانهای غربی.

۱ - زبانهای ایرانی غربی شامل دو گروه اند.

الف - زبانهای ایرانی شمالغربی.

ب - زبانهای ایرانی جنوب غربی.

زبانهای شمالغربی عبارتند از: کردی (گورانی و زازا) بلوچی، طالش، کیلیکی و مازندرانی. لهجه‌های ایران مرکزی و فارسی، اورموری و پراخی. زبانهای ایران جنوب غربی که از لهجه‌های سرزمین پارسی تاریخی سرچشمه میگیرند نماینده بزرگشان زبان فارسی و فارسی تاجیکی است که در زبان اخیر شکل محلی فارسی هستند و نیز لهجه‌های تابی، لری، بختیاری و گویش‌های محلی فارس مانند سومقونی و ماسرمی و بوری‌نگانی و گویش کونزاری در شبه جزیره مسندام در عمان جزو این زبان شمرده میشوند.

۲ - زبانهای شرقی ایرانی: این زبانها از زبانهای قدیمی شرقی میانه سرچشمه میگیرند و شامل زبانهای زیر هستند: پشتو، آسی یا اوستی، پامیری، موبجانی و یغناپی و دارای دو گروه هستند گروه شمالشرقی و جنوب شرقی. آسی و یغناپی و خوارزمی جزو این گروه است و گروه جنوب شرقی شامل پشتو و موبجانی و پامیری است که دنباله لهجه‌های سکائی - نخاری هستند.

شرح زبانها و لهجه‌های کنونی ایرانی:

زبانهای ایرانی امروزی بخش بزرگی از آسیا را فرا گرفته است. حدود این زبانها از مشرق دره رود سند و ایالت چینی سین تسیان است درختا، از مغرب تا منطقه مسیر دجله گسترده میشود از شمال تاجیکان قفقاز و از جنوب تا آسیای خلیج فارس و بحر عمان انتشار دارد و در کشورهای ایران و افغانستان و پاکستان و ترکیه و عراق و سوریه و چین زبانهای مختلف ایرانی سخن میگویند.

در انتهای شمالی این منطقه زبان آسی تا ۴۴ درجه عرض شمالی رواج دارد. در مغرب زبان کردی در سوریه تا ۳۷ درجه طول شرقی در نواحی حلب و دمشق تکلم میشود. در ترکیه در ناحیه آنکارا به ۳۴ درجه طول شرقی میرسد. در جنوب لهجه کومزاری در شبه جزیره عربستان تا ۲۶ درجه عرض شمالی میرسد و در جنوب شرقی تا کرانه راست رود سند یعنی ۲۱ درجه طول شرقی به بلوچی تکلم میشود و در شمال شرقی گسترش لهجه‌های پامیری فارسی در مشرق پامیر و ایالت سین تسیان به ۷۵ درجه طول شرقی میرسد و رویهمرفته در حدود ۵۵ تا ۶۰ میلیون نفر بزبانهای ایرانی سخن میگویند.

در میان زبانهای ایرانی زبان فارسی، قوامی ارجحندتر دارد. این زبان بزرگ نماینده تمدنی بس درخشان است و دارای ادبیاتی است که در نوع خود در جهان بی نظیر است. این زبان چنانکه گفته شد ادامه زبان پارسیک دوره میانه است و مستقیماً از زبان فارسی باستانی سنک نشسته‌های هخامنشیان پدید آمده است ولی در طول تاریخ دوهزار و پانصدساله خود تحول یافته و بالغانی که از زبانهای گوناگون بخصوص از پارسی گرفته خود را غنی‌تر ساخته است. فارسی در قرون وسطی زبان بین‌المللی و ادبی قسمت بزرگی از آسیا بوده است. نخستین آثار و اسناد زبان فارسی کنونی که یافت شده متعلق به قرن هشتم میلادی است و آن قطعاتی از نامه‌هایی است بخط عبری و بزبان فارسی که اصطلاحاً اسناد یهود و فارسی نامیده میشوند و درختن یافت شده‌اند.

زبان فارسی در خارج از ایران کنونی در بین گروه انبوهی در تاجیکستان و در افغانستان و پاکستان رایج است.

این زبان، زبان ملی جمهوری تاجیکستان است و در سراسر آن جمهوری به این زبان صحبت میکنند. در جمهوری های دیگر شوروی نیز عده زیادی به فارسی صحبت میکنند. در ازبکستان در حدود چهارصد هزار نفر پارسی گوی و وجود دارد که بیشتر در دره فرغانه و دره زرافشان و ناحیه کشکه دریا زندگی میکنند. حتی در قشلاقهای بزرگ تعداد فارسی زبانان بیش از ازبکان است. در ناحیه Sox «سخ» فرغانه در واحه ریشتن در حدود صد و پنجاه هزار نفر بفارسی صحبت میکنند، و در مسیر رود زرافشان در شهرهای بخارا و سمرقند نیز عده زیادی فارسی زبان وجود دارد. گروهی نیز در اطراف شهر تاشکند باین زبان تکلم میکنند. زبان فارسی از طرف شمال شرقی تاشکند وارد جمهوری قزاقستان میشود و در نواحی «بر یچمول» و «باستاندیک» بفارسی تکلم میکنند. در ترکمنستان نیز در نواحی جلال آباد و «اوش» عده زیادی فارسی زبان وجود دارد.

علاوه بر تاجیکان و گروههای فوق الذکر بهودیان بخارا و سمرقند و کته کورگان و شهرهای فرغانه همگی بزبان فارسی صحبت میکنند و عده آنها کثیر است.

کولیان آسیای میانه و جوکیان و مزگیان و دیگر طوایفی که مشابه آنها زندگی میکنند و در فرغانه و سمرقند و حصار و نواحی دیگر ازبکستان و تاجیکستان و ترکمنستان سکونت دارند فارسی زبانند.

قبایل معروف به اعراب آسیای میانه که در حدود هفتاد هزار نفرند و نیز تعداد زیادی بلوچ و افغان از طوایف جمشیدیان و هزاره که در ترکمنستان و تاجیکستان هستند به پارسی سخن میگویند. علاوه بر این عده بسیار از ازبکان بخارا و سمرقند دو زبانی هستند و در موقع تکلم با پارسی زبانان به فارسی صحبت میکنند.

عدهای فارسی زبان نیز در اتحاد جماهیر شوروی هستند که خود را ایرانی میخوانند و طبق سرشماری سال ۱۹۳۹ عده آنها بالغ بر چهل هزار نفر بوده است که بیشتر در ازبکستان و ترکمنستان و در نواحی عشق آباد و مرو و قفقاز ساکنند. عده فارسی زبانان در خود تاجیکستان در حدود دو میلیون و پانصد هزار نفر است.

فارسی زبانان در افغانستان بیشتر در نواحی شمالی و مرکزی افغانستان متمرکز هستند و بیش از پنجاه درصد مردم «کته گن» و هفتاد و پنج درصد از مردم ایالت بدخشان و قسمت مهمی از مزار شریف و هرات به فارسی سخن میگویند. عدهای دیگر در جنوب هندوکش در دره های رودهای پنج شیرو شتول و کوربند و نیز در ایالت کابل و نواحی گندمک و قندهار فارسی زبانند.

در پامیر مردمی که بفارسی صحبت میکنند خود را پارسی گوی میخوانند و در جنوب قندهار در ناحیه بست قدیم و بیست کنونی در امتداد رود هیرمند به همه به پارسی تکلم میکنند. بخش مهمی از ساکنان شهرهای بزرگ افغانستان مانند هرات به کابلی یا فارسی کابل سخن میگویند. قبیله فیروز کوهی در افغانستان که گویا در آغاز قرن پانزدهم توسط تیمور از قلعه فیروز کوه در مرز مازندران ایران به افغانستان کوچانده شده است دارای نود هزار جمعیت است که همه بفارسی سخن میگویند و در منطقه مسیر رود مرغاب در شرق و شمال شرقی (قلعه نو) زندگی میکنند.

ایل جمشیدی در افغانستان که در نزدیک خراسان زندگی میکنند در حدود ۶۰ هزار نفرند همه به فارسی سخن میگویند.

ایل (تایمانی) که قریب ۹۰ هزار نفرند و در جنوب شرقی هرات زندگی میکنند پارسی زبانند.

اهالی هزاره در قسمتی از فلات باد غیس اقامت دارند و نیز عده‌ای از آنها که در میان کابل و هرات در هزاره‌جات زندگی میکنند و دسته‌دیگرشان در دره پنج‌شیر ساکنند همه فارسی‌زبانند و در حدود یک میلیون نفرند .

قبایل صحرانشین تیموری که در جنوب هرات در خط مرزی ایران و افغان زندگی میکنند نیز بفارسی صحبت میکنند .

زبان فارسی در افغانستان و در تاجیکستان زبان ادبی است و آن کتابها و روزنامه‌های بسیار منتشر میشود و دارای نویسندگان و سخنوران بسیار است .

عده‌ای پارسی‌زبان نیز در پاکستان در نواحی کلات و کوئته و پشاور و چیترال زندگی میکنند و نیز در ایالت «سین‌سزیمان» چینی در حدود ۱۷ هزار پارسی زبان وجود دارد .

علاوه بر این در سرزمین عراق در بغداد و نجف و کربلا و بصره در حدود ۱۵۰ هزار نفر پارسی‌گوی وجود دارد. در عربستان سعودی و جزائر خلیج فارس و همچنین در (مدینه) (القطیف) و (ظهران) و شمال غربی مسقط و حتی در مرکز شبه جزیره عربستان در واحه حول قریب ۲۰۰ هزار نفر به فارسی و دیگر گویشهای فارسی صحبت میکنند .

۲ - زبان پشتو یا افغانی : این زبان زبان قدیم ناحیه «باکتریان» (بلخ) است و در قسمتی از افغانستان و پاکستان رایج است و محیط گسترش آن چنین است: در مغرب از محل پیوستن هریرود و رود جام شروع میشود و بسوی جنوب پیش میرود تا به مصب هیرمند میرسد از آنجا به طرف قندهار متمایل میشود و در جنوب قندهار بدور بیابان پاکستان میگردد و در خاک پاکستان بسوی (کوئته) میرود و بکرانه سند امتداد مییابد . سپس بسمت شمال میگراید و در جنوب (چیترال) متوجه کابل میشود و در مغرب هرات به مرز ایران میرسد. عده‌ای پشتوزبان نیز در ساحل چپ آمودریا و ایالت هرات زندگی میکنند. و نیز عده زیادی در پاکستان و بلوچستان به پشتو سخن میگویند قریب پنج میلیون پانصد هزار نفر پشتوزبان در افغانستان و همین اندازه نیز در پاکستان زندگی میکنند .

زبان پشتو لغات بسیار از فارسی بوم گرفته و دارای ادبیات است و نخستین آثار مکتوب آن مربوط به حدود قرن یازدهم و شانزدهم میلادی است . فرهنگ عامیانه پشتو بسیار پرمایه است .

بقیه در شماره بعد

